# رابطه سبکهای والدگری با پرخاشگری (جسمانی و رابطه‌ای) در دانش آموزان دوره ابتدایی

**سید صابر اشرفی**[۱]
**محمد قنواتی**[۲]
**دکتر بهنام مکوندی**[۳]
**سیده زهرا موسوی**[۴]
**حسین محمدی مجد**[۵]

## چکیده

*پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبکهای والدگری با پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای در دانش آموزان دوره ابتدایی انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش همه دانش آموزان دبستانی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز بودند. گروه نمونه شامل ۴۱۰ دانش‌آموز (۲۶۸ دختر و ۱۴۲ پسر) بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای و شیوه فرزند پروری را تکمیل کردند. پایایی و روایی ابزارهای پژوهش به ترتیب با استفاده از روش آلفای کرونباخ و روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت. ابزارهای مذکور از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بودند. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد که میان سبکهای والدگری و انواع پرخاشگری (جسمانی و رابطه‌ای) رابطه‌ای معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان نیز حاکی از آن بود که شیوه فرزند پروری مقتدر پیش-بینی کننده منفی و معناداری برای پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای است و شیوه فرزندپروری سلطه‌جو پیش‌بینی کننده مثبت برای پرخاشگری رابطه‌ای است. بررسی تفاوتهای جنسیتی نیز نشان داد که میان دختران و پسران از لحاظ پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای تفاوت معنادار وجود ندارد ($p>۰/۰۵$).*

**کلید واژگان:** پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری رابطه‌ای، سبکهای والدگری

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۴

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی saber.ashrafi2014@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی (نویسنده مسئول) m_ghanavati63@yahoo.com
۳. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان makvandi_bd@yahoo.com
۴. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه مشاوره آموزش و پرورش شهرستان رامشیر s_f_mousavi@yahoo.com
۵. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه مشاوره آموزش و پرورش شهرستان آبادان majdho@yahoo.com

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

**مقدمه**

خشونت و پرخاشگری[1]، در سطوح و جنبه‌های مختلف، معضلی بزرگ و جهانی به‌شمار می‌آید و ریشهٔ بسیاری از جرائم، نابسامانیها، انحرافات و حتی جنگها را باید در این امر جستجو کرد. به طوری که آرونسون[2] (۱۹۸۷) یکی از روانشناسان اجتماعی گفته است: "عصر ما عصر پرخاشگری است". پرخاشگری را رفتاری که هدف آن صدمه زدن به خود یا به دیگری باشد، تعریف کرده‌اند. روانشناسان اجتماعی نیز پرخاشگری را رفتاری آگاهانه می‌دانند که هدفش اعمال درد و رنج جسمانی یا روانی، به صورت بدنی یا کلامی است (کوت، ویلان کورت، بارکر، ناگین و ترمبلی[3]، ۲۰۰۸). در دو دهه اخیر پژوهشهای متعددی در زمینه پرخاشگری بر اهمیت وجه تمایز پرخاشگری رابطه‌ای و جسمانی تأکید داشته‌اند (کریک و گرات‌پیتر[4]، ۱۹۹۵؛ کریک، ۱۹۹۶؛ کریک و بیگ‌بی[5]، ۱۹۹۸). پژوهشگران، وجه تشابه پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری رابطه‌ای را در قصد و نیت برای صدمه‌زدن به دیگران و تلاش در این زمینه می‌دانند، با این تفاوت که در پرخاشگری جسمانی این تلاش به شکل فعالیتهای جسمانی مانند کتک زدن، هل دادن، لگد زدن و پرتاب کردن اشیا و تهدید به انجام دادن این فعالیتها خود را نشان می‌دهد و در پرخاشگری رابطه‌ای تلاش از طریق دستکاری روابط اجتماعی، غیبت، بدگویی و حالتهای بدنی در این زمینه صورت می‌پذیرد (کریک و گرات‌پیتر، ۱۹۹۵).

بررسیها از گسترش روزافزون خشونت و رفتارهای پرخاشگرانه در مدارس به ویژه در سالهای اخیر حکایت دارند (اسمیت و شارپ[6]، ۱۹۹۵؛ مک‌نیل[7]، ۲۰۰۲؛ سیلور[8]، ۲۰۰۷)؛ به طوری که کودکان دبستانی در سراسر زندگی خود، رفتارهای پرخاشگرانه را نشان می‌دهند (برکلی و همکاران[9] ، ۲۰۰۰؛ دنهام[10] و همکاران، ۲۰۰۲). پرخاشگری تأثیراتی بلندمدت و جبران‌ناپذیر بر کودکان دبستانی می‌گذارد، به طوری که آنان را با مشکلات زیاد در زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی، روان‌شناختی و رفتاری مانند طرد همسالان، افسردگی، قربانی کردن همسالان[11]، بزهکاری و

1. Aggression
2. Aronson
3. Cote, Vailancourt, Barker, Nagin &Tremblay
4. Crick & Grotpeter
5. Bigbee
6. Smith & Sharp
7. McNiel
8. Silver
9. Barkley et al.
10. Denham
11. Peer victimization

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

رفتارهای جنسی پرمخاطره مواجه می سازد (کریک، استرو[1] و ورنر[2]، ۲۰۰۶). این گونه رفتارها با خودپنداره ضعیف و افسردگی (ماتسورا، هاشیموتو و تویکی[3]، ۲۰۰۹)، تکانش‌گری و بیش‌فعالی (استرو و گادلسکی[4]، ۲۰۰۹) همراه هستند که ممکن است زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات همچون تشدید پرخاشگری (میرد، جردن، داج، پتیت و بیتز، ۲۰۰۰، به نقل از گرین‌من[5]، ۲۰۰۵) گردد. بنابراین شناخت این مشکل در کودکان خردسال و مداخله به هنگام می‌تواند از ادامه این رفتارها پیشگیری کند (گودوین، پایسی و گریس[6]، ۲۰۰۳).

در سالهای اخیر، میزان خشونت و پرخاشگری در مدارس افزایش یافته در حالی که سن ارتکاب به آن کاهش داشته است و این در شرایطی است که معلمان و خانواده‌ها خواستار پاسخگویی به سؤالاتی مانند علل پرخاشگری، شناسایی افراد در معرض خطر ارتکاب به فعالیتهای خشونت‌آمیز و پیشگیری از آن هستند (بارات[7]، ۱۹۹۱).

صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی در زمینهٔ پرخاشگری دو گروه هستند: گروه اول علل بروز پرخاشگری را ذاتی می‌دانند و معتقدند که پرخاشگری در انسان جنبهٔ ذاتی و فطری دارد. آنان بر این باورند که پرخاشگری به مثابه نیرویی نهفته در انسان دارای حالت هیدرولیکی است، یعنی به تدریج در شخص متراکم و فشرده می‌شود و نیاز به تخلیه پیدا می‌کند. گروه دوم علل بروز پرخاشگری را اکتسابی می‌دانند و معتقدند که پرخاشگری از لحاظ اجتماعی هم قابل آموزش است و هم قابل پیشگیری و کنترل. این گروه یکی از علل بروز پرخاشگری را در شیوهٔ تربیت فرزندان در خانواده می دانند.

از این‌رو پژوهشهای گوناگون عوامل ایجادکنندهٔ متفاوتی مانند جنسیت (هایدی[8]، ۲۰۰۴؛ گالامبوس[9]، ۲۰۰۴؛ کریک و همکاران، ۲۰۰۶)، رشد سنی (ترمبلی، پری[10] و ایمت[11]، ۲۰۰۶؛ آلینک[12]و همکاران، ۲۰۰۶)، عزت‌نفس (رابین، دویر، بوث-لافورس، کیم، بارگس و رز-کراسنور،[13]

1. Ostrov
2. Werner
3. Matsuura, Hashimoto & Toichi
4. Godleski
5. Greenman
6. Goodwin, Paicey & Grace
7. Barratt
8. Hyde
9. Galambos
10. Perie
11. Ouimet
12. Alink
13. Rubbin, Dwyer, Booth-Laforce, Kim, Burgess & Rose-Krasnor

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

۲۰۰۴)، عوامل محیطی (برندگن، وانر، مورین و ویتارو[1]، ۲۰۰۵) و عوامل خانوادگی (هرزل[2]، ۱۹۹۹؛ لو[3]، ۲۰۰۶؛ یون، بارتون و تایریول[4]، ۲۰۰۴) را در بروز رفتارهای پرخاشگرانه مؤثر دانسته‌اند که از این میان از خانواده به عنوان یکی از عواملی نام برده می‌شود که می‌تواند پرخاشگری را تشدید کند یا آن را کاهش دهد (یون و همکاران، ۲۰۰۴). به همین دلیل پژوهشهای گوناگون به بررسی رابطهٔ عوامل خانوادگی و بروز پرخاشگری پرداخته‌اند و تأثیر عوامل خانوادگی مانند شیوهٔ تربیت فرزندان را در بروز پرخاشگری گزارش کرده‌اند (لو، ۲۰۰۶؛ پات‌نم، سانسون و رات‌برت[5]، ۲۰۰۲؛ چیورز، دویل و مک‌نامارا[6]، ۲۰۱۰). به طور مثال پیترسون[7] (۱۹۸۲) در مدل قهرآمیز پرخاشگری[8]، پرخاشگری را نتیجه‌ای از فرآیند تقویت خانواده می‌داند. در این نظریه فرض می‌شود که اعضای خانواده رفتار پرخاشگرانه را از طریق اعمال انضباطهای تند و متناقص و نظارت و بازبینی ضعیف بر فعالیتهای کودک تقویت می‌کنند (به نقل از آلینک و همکاران، ۲۰۰۶). یکی از عوامل خانوادگی که به شیوهٔ والدین در تربیت فرزندان اشاره دارد، سبکهای والدگری است. در واقع سبکهای والدگری، مجموعه‌ای از نگرشها، شیوه‌ها و حالات غیرکلامی والدین است که تعیین‌کنندهٔ تعاملات ذاتی فرزند–والد است. از این رو به مثابه یکی از عوامل پیش‌بینی‌کنندهٔ مهم در بهزیستی رفتاری و روانشناختی فرزندان به شمار می آید (دارلینگ و استاینبرگ،[9] ۱۹۹۳). بامریند[10] (۱۹۷۸؛ ۱۹۹۱؛ ۲۰۰۵) از پیشروان نظریه‌پردازی در زمینهٔ شیوه‌های فرزندپروری و سبکهای والدگری است.

با توجه به اینکه پژوهشهای اندکی به طور همزمان به بررسی تأثیر عوامل خانوادگی بر پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای در کودکان ابتدایی پرداخته‌اند و با توجه به نقش اساسی خانواده در شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه در کودکان به ویژه در دورهٔ ابتدایی، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تربیت والدین و نوع ارتباط والد–کودک بر میزان بروز انواع پرخاشگری در دانش-آموزان دورهٔ ابتدایی صورت می‌گیرد. در راستای این هدف، در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا سبکهای گوناگون والدگری پیش‌بینی‌کنندهٔ انواع پرخاشگری (جسمانی و رابطه‌ای) هستند تا

1. Brendgen, Wanner, Morin & Vitaro
2. Herzel
3. Lowe
4. Yoon, Barton &Taiariol
5. Putnam, Sanson &Rothbart
6. Cheevers, Doyle & McNamara
7.Peterson
8.Coercion model
9 .Darling & Steinberg
10.Baumrind

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

از این طریق علاوه بر بررسی نقش خانواده در میزان پرخاشگری کودکان به مقایسهٔ علل و عوامل خانوادگی در بروز پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری رابطه‌ای بپردازد و دریابد که کدام‌یک از انواع پرخاشگری (جسمانی و رابطه‌ای) تأثیرپذیری بیشتری از سبک تربیتی والدین درباره کودکان دارد. بنابراین سبکهای گوناگون والدگری (مقتدر، مستبد و سهل گیر) به منزلهٔ متغیر مستقل و انواع پرخاشگری (جسمانی و رابطه‌ای) به منزلهٔ متغیر وابسته در این پژوهش در نظر گرفته شده اند.

بیشتر مطالعات درباره رفتار پرخاشگرانه بر پایه یادگیری اجتماعی بنا نهاده شده است (مک‌کینن، لم، بلسکی و بام[1]، ۱۹۹۰؛ سلرز، کاکران و برنچ[2]، ۲۰۰۵). همچنین در پژوهشها به تفاوت رشد پیشروندهٔ پرخاشگری در پسران و دختران اشاره شده است. به طوری‌که در سالهای اولیه، پسران بیشتر از دختران پرخاشگری از خود نشان می‌دهند (لرد، پتیت و داج[3]، ۲۰۰۵).

هاولی[4] و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی نشان داده اند که مداخلات کنترل خشم به کاهش پرخاشگری می انجامد. همچنین پژوهشگران دریافتند که آموزش کنترل خشم می‌تواند کاهش پرخاشگری را در افراد به همراه داشته باشد (کلنر و توتین[5]، ۱۹۹۵). نتایج پژوهش کلنر و توتین (۱۹۹۵) نشان داد که رفتار پرخاشگری دانش‌آموزان از طریق برنامه کنترل خشم به طرز موفقیت‌آمیزی کاهش یافته و منجر به تقویت پاسخ مثبت و رفتار صحیح در آنان شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهشهای گوناگون کودکان پذیرفته شده از سوی والدین، رفتارهای جامعه‌پسند بیشتر و پرخاشگری کمتری از خود نشان می‌دهند (هیمل، والیان کورت، مک‌دوگال و رنشا[6]، ۲۰۰۲) و به عکس کودکانی که والدین آنها را طرد کرده‌اند، پرخاشگری بیشتری در تعامل با همسالانشان نشان می دهند (دیشن[7]، ۱۹۹۰). یافته‌ها حاکی از آن است که کودکانی که رفتارهایی مانند پرخاشگری و انزوای اجتماعی را در بدو ورود به مدرسه نشان می‌دهند، امکان دارد در آینده به دامنه‌ای از پیامدهای منفی مانند پیشرفت تحصیلی ضعیف، دشواری در روابط با همسالان، اختلال رفتاری و افسردگی را مبتلا شوند (هینشا[8]، ۲۰۰۲).

پیترسون (۱۹۸۲) در مدل قهرآمیز پرخاشگری، پرخاشگری را نتیجه‌ای از فرآیند تقویت خانواده می‌داند. در این نظریه فرض می‌شود که اعضای خانواده رفتار پرخاشگرانه را از طریق اعمال

1. McKinnon, Lamb, Belsky & Baum
2. Sellers, Cochran & Branch
3. Laird, Pettit & Dodge
4. Hawely
5. Kellner &Tutin
6. Hymel, Valliancourt, McDougall & Renshaw
7. Dishion
8. Hinshaw

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

انضباطهای تند و متناقص و نظارت و بازبینی ضعیف بر فعالیتهای کودک تقویت می‌کنند (به نقل از آلینک و همکاران، ۲۰۰۶). بر اساس یافته‌های پژوهشها کودکانی که رفتارهای بیرونی مانند پرخاشگری و بیش‌فعالی از خود نشان می‌دهند در فهم و درک احساسات و انگیزه‌های دیگران دچار مشکل هستند (داج،پتیت، مک‌کلاسکی[1] و براون[2]، ۱۹۸۶).

دیشن (۱۹۹۰) گزارش داد که سطوح بالایی از اجبار و نظم همراه با تنبیه می‌تواند زمینه پرخاشگری را در کودکان مهیا کند. در بررسی رابطهٔ پرخاشگری و جنسیت می‌توان گفت، طبق یکی از فکرهای قالبی ما، پسرها و مردها پرخاشگرتر از دختران و زنها هستند. پژوهشها هم به طور کلی این دیدگاه را تأیید می‌کنند. احتمال دارد پسرها در کودکی، بیشتر بازیهای پر زد و خورد انجام بدهند یا دعواهایی بکنند که در آنها پرخاشگری فیزیکی رخ می‌دهد. نوجوانان پسر، بیشتر احتمال دارد عضو دسته‌های خیابانی شوند و اعمال خشن انجام بدهند. احتمال پسر بودن کودکان و نوجوانانی که اختلال سلوک دارند (یعنی رفتارهای تهاجمی و آزاردهنده‌ای دارند که حقوق اساسی دیگران را نقض می‌کنند) سه برابر احتمال دختر بودن آنها است (کوهن[3] و همکاران، ۱۹۹۳).

در تحلیل کلاسیک مطالعات تحقیقاتی، مک‌کوبی و ژاکلین[4] (۱۹۷۴) در مورد رابطهٔ پرخاشگری و جنسیت دریافتند که مردها در تمام فرهنگها پرخاشگرتر از زنها هستند، به طوری که از همان ابتدای زندگی یعنی دو سالگی بیشتر از زنها از خود پرخاشگری نشان می‌دهند. این یافته‌ها معمولاً مؤید این دیدگاه هستند که تفاوت‌های جنسیتی در زمینه پرخاشگری، مبنای زیست‌شناختی دارد ولی محیط و فرهنگ نیز در تفاوت‌های جنسیتی موجود در زمینه پرخاشگری نقش دارند (وایت[5]، ۲۰۰۱). همچنین پژوهشهای بسیاری نشان داده‌اند که دختران و پسران به شکلی متمایز از یکدیگر پرخاشگری نشان می‌دهند؛ به طوری که در برخی از پژوهشها نتایج مبین این یافته است که پسران پرخاشگری جسمانی بیشتری نسبت به دختران و دختران پرخاشگری رابطه‌ای بیشتری نسبت به پسران نشان می‌دهند (کریک و گرات‌پیتر، ۱۹۹۵). این در حالی است که تامادا و اشنایدر[6] (۱۹۹۷) و مک‌اوی، استرم، رودریگز و السون[7] (۲۰۰۳) گزارش کرده‌اند که پسران هر دو شکل پرخاشگری رابطه‌ای و جسمانی را بیشتر از دختران بروز می‌دهند. مطالعات دیگر نشان می‌دهند که پرخاشگری

1. McClaskey
2. Brown
3. Cohen
4. Maccoby & Jacklin
5. White
6. Tomada & Schneider
7. McEvoy, Esterm, Rodrigues & Olson

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

رابطه‌ای برای دختران از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که تفسیر و تجربهٔ پرخاشگری رابطه‌ای در دختران و پسران متفاوت است. مثلاً دختران پرخاشگری رابطه‌ای را مضر و آزارنده می‌دانند یا آن‌را خصمانه می‌پندارند (کریک، ۱۹۹۵؛ گلدشتاین و تیساک[1]، ۲۰۰۴؛ پاگت و اندروود[2]، ۱۹۹۹)؛ همچنین دختران در مقایسه با پسران، به نسبت بیشتری پرخاشگری رابطه‌ای را برای روابطشان زیان‌آور می‌دانند و بیشتر وقت خود را صرف فکر کردن درباره این نوع پرخاشگری می‌کنند (گلدشتاین و تیساک، ۲۰۰۴؛ پاگت و اندروود، ۱۹۹۹).

در مجموع باید در نظر گرفت وقتی که می‌گوییم مردها پرخاشگرتر از زنها هستند نباید عجولانه قضاوت کنیم که همهٔ مردها از همه زنها پرخاشگرترند (هایدی، ۲۰۰۴؛ هایدی و مزولیس،[3] ۲۰۰۲). در ضمن نوع پرخاشگری را نیز باید در نظر بگیریم. محققان متوجه شده‌اند که تفاوتهای جنسیتی در پرخاشگری فیزیکی از تفاوتهای جنسیتی در پرخاشگری کلامی شدیدتر است (ایگلی و استفن[4]، ۱۹۸۶؛ گالامبوس، ۲۰۰۴). در مطالعه‌ای طولی، تفاوت جنسیتی خاصی در پرخاشگری کلامی کودکان ۸ ساله دیده نشد، اما زنها در ۱۸ سالگی بیش از مردها پرخاشگری کلامی داشتند (بیورکویست، اوسترمن و لاگسپتز[5]، ۱۹۹۴). در مجموع بیشتر مطالعات، تفاوتی معنادار را در پرخاشگری میان پسران و دختران نشان داده‌اند (کریک و گرات‌پیتر، ۱۹۹۵)، ولی در برخی مطالعات این تفاوت بسیار کم (با اندازه اثر کمتر از ۰/۳۰) گزارش شده است (شیبلی هاید[6]، ۲۰۰۵).

خانواده یکی از واحدهای مهم و تعیین‌کننده سرنوشت افراد هر جامعه است و رفتارهای والدین در این واحد از عوامل بسیار مؤثر بر وضعیت فرزندان آنهاست. در بسیاری از موارد رفتار والدین به صورت پرخاشگری با همدیگر یا با فرزندان است که این نحوه رفتار می‌تواند عواقب ناخواسته بسیار مانند اختلال توجه و اضطراب را در فرزندان ایجاد کند (ویتولو و همکاران،[7] ۲۰۰۵). مطالعات بسیاری نقش والدین را در رابطهٔ حالات عاطفی منفی (هیجان‌پذیری منفی) و رفتارهای بیرونی مورد بررسی قرار داده و نشان داده اند که دخالت زیاد والدین به پرخاشگری کودکانشان می‌انجامد و در نتیجه سبب بالا رفتن عواطف منفی در آنان می شود (پات‌نم، سانسون و رات‌برت،

1. Goldstein & Tisak
2. Paquette & Underwood
3. Mezulis
4. Eagly & Steffen
5. Bjorqvist, Osterman & Lagerspetz
6. Shibley Hyde
7. Vitolo et al.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

۲۰۰۲). همچنین پژوهشگران گزارش کرده‌اند که کودکان پیش‌دبستانی که به طور مکرر از طرف والدین تنبیه شده اند، بعدها به احتمال بیشتری نسبت به همتایان خود، پرخاشگری نشان داده‌اند (استراسبرگ[۱]، داج، پتیت و بیتس،[۲] ۱۹۹۴).

بسیاری از پژوهشها به بررسی رابطهٔ میان ابعاد و سبکهای والدگری با شایستگی کودکان پرداخته‌اند (بنک[۳] و همکاران، ۲۰۰۴)؛ در این پژوهشها عمدتاً رفتارهای والدین و کودکان مورد مشاهده قرار گرفته و مصاحبه‌هایی با آنان انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که کودکان شایسته در برخورد با مسائل رفتاری، عموماً دارای والدینی بوده اند که خود را درگیر مسائل فرزندشان کرده و کنترل را به صورت مشارکت اعمال می‌کرده‌اند و از سطح گرمی بالایی برخوردار بوده اند (ناتسن، دی‌گارمو و رید[۴]، ۲۰۰۴). مطالعات گوناگون نشان می دهند که حمایت اولیه والدین از رفتارهای کودکان و نوجوانان با عواملی همچون گرمی کم از سوی والدین و ناسازگاری آنان ارتباط دارد (بارنو، لاچت و فریبرگر[۵]، ۲۰۰۵؛ ترنبری، فریمن-گلنت، لیزت، کرون و اسمیت[۶]، ۲۰۰۳).

همچنین این عامل با عدم پذیرش والدین (بارنو و همکاران، ۲۰۰۵؛ بک و شا[۷]، ۲۰۰۵؛ رین، برنان، مدنیک و مدنیک[۸]، ۱۹۹۶)، والدگری خشن یا سلطه‌جو (گروگان-کیلر[۹]، ۲۰۰۵) و والدگری بی‌قید و بند یا سهل‌گیر (بک و شا، ۲۰۰۵؛ فریک[۱۰]، ۲۰۰۶؛ هاوکینز[۱۱] و همکاران، ۲۰۰۰) رابطهٔ مثبت دارد.

تحقیقات اخیر نشان داده اند که والدین سلطه‌جو در افزایش رفتارهای ضد اجتماعی فرزندانشان در بزرگسالی نیز تأثیر دارند (ورنا، هیکز و پاتریک[۱۲]، ۲۰۰۵؛ ورنا و سکز-اریکسن[۱۳]، ۲۰۰۵). برخی مطالعات نیز احتمال می‌دهند که سبکهای والدگری و رفتارهای ضد اجتماعی با یکدیگر مرتبط هستند (دی کمپ[۱۴] و همکاران، ۲۰۰۷؛ ریتی[۱۵] و همکاران، ۲۰۰۲؛

1. Strassberg
2. Bates
3.Bank
4. Knutson, DeGarmo & Reid
5. Barnow, Lucht & Freyberger
6. Thornberry, Freeman-Gallant, Lizotte, Krohn & Smith
7. Beck & Shaw
8. Raine, Bernnan, Mednick & Mednick
9. Grogan-Kaylor
10. Frick
11. Hawkins
12. Verona, Hicks & Patrick
13. Sachs-Ericsson
14. De Kemp
15. Reti

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

سوننز[1] و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسکفر[2] و همکاران، ۲۰۰۹). سبکهای والدگری یکی از جنبه‌های فرآیند خانواده است که به سبب تأثیرش بر تمرینات والدگری بر پیامدهای رشد کودکان مؤثر است (کامینگز، دیویس و کمبل[3]، ۲۰۰۰). بامریند (۱۹۷۸) سه سبک والدگری مقتدر، سلطه‌جو و سهل‌گیر را که اغلب در پژوهشها به‌کار گرفته می‌شوند در ارتباط با پیامدهای گوناگون رفتارهای کودکان مانند پیشرفت تحصیلی، اعتماد به نفس، پرخاشگری، رفتار مجرمانه و سوء مصرف مواد مطرح کرده است (هارت[4] و همکاران، ۱۹۹۸؛ لمبرن، مانتس، استیانبرگ و درنبوش[5]، ۱۹۹۱). همچنین شواهد بسیاری وجود دارد که رابطهٔ مثبت سبکهای والدگری و رفتارهای ضد اجتماعی را مورد تأکید قرار داده‌اند (ارنسافت[6] و همکاران، ۲۰۰۳؛ ناتسن، دی‌گارمو و رید، ۲۰۰۴؛ نروسایت[7] و همکاران، ۲۰۰۷؛ راش، انسمینگر و چرلین[8]، ۲۰۰۷؛ اسمیت و فارینگتون[9]، ۲۰۰۴؛ ترنبری و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهشها الگوهای مستبدانه و سهل‌گیرانه را در ایجاد اختلالات رفتاری مانند پرخاشگری مورد تأیید قرار داده‌اند (لمبرن و همکاران، ۱۹۹۱؛ لیل‌آبادی، ۱۳۷۵؛ اسفندیاری، ۱۳۷۳). همچنین کودکانی که در خانواده‌های آرام و سازگار زندگی می‌کنند، اختلالات رفتاری و نابهنجاری در آنها به مراتب کمتر از کودکانی است که در خانواده‌های پرتنش به سر می‌برند (کنل[10]، ۱۹۸۸). بر اساس مطالعات انجام شده سبک والدگری سلطه‌جو با پیامدهای رفتاری مانند پرخاشگری، اختلالات رفتاری درونی و بیرونی و سطوح کمی از عملکردهای انگیزشی مرتبط است (هارت و همکاران، ۱۹۹۸؛ رابین، استوارت[11] و چن[12]، ۱۹۹۴؛ استراسبرگ و همکاران، ۱۹۹۴)؛ برخی از پژوهشها نیز والدین سلطه‌جو را با رفتارهای والدگری پرخاشگرانه و تنبیه بدنی توصیف کرده‌اند (ناتسن و همکاران، ۲۰۰۴؛ نلسون[13] و همکاران، ۲۰۰۵). سبک والدگری سهل‌گیر نیز با بزهکاری و پرخاشگری در رابطه است که این امر به سبب فقدان نظارت والدین و ویژگیهای سهل‌گرایانه آنان

1. Soenens
2. Schaffer
3. Cummings, Davies & Campbell
4.Hart
5. Lamborn, Mants, Steinberg & Dornbusch
6. Ehrensaft
7. Narusyte
8. Roche, Ensminger &Cherlin
9. Farrington
10. Connell
11. Stewart
12. Chen
13. Nelson

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

در این سبک است (هاپاسالو[1] و ترمبلی، ۱۹۹۴)؛ همچنین تمرینات همراه با نظم سختگیرانه و تنبیه‌گر با پیامدهای منفی در کودک مانند پرخاشگری همراه است (داتر، دکارد[2] و داج، ۱۹۹۷). ساچ[3] (۲۰۰۵) دریافت که میان سبک والدگری و پرخاشگری رابطه شدید و قوی وجود دارد، به طوری که میان سبک والدگری مستبد و پرخاشگری جسمانی رابطهٔ مثبت وجود دارد و این ارتباط در دیگر پژوهشها نیز مورد تأیید قرار گرفته است (بنک و همکاران، ۲۰۰۴).

## سؤالهای پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش، سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیا بین شیوه‌های فرزندپروری و میزان پرخاشگری (جسمانی و رابطه‌ای)، همبستگی وجود دارد؟

۲. آیا میزان بروز پرخاشگری جسمانی در کودکان به وسیله شیوه‌های فرزندپروری، قابل پیش-بینی است؟

۳. آیا میزان بروز پرخاشگری رابطه‌ای در کودکان به وسیله شیوه‌های فرزندپروری قابل پیش-بینی است؟

۴. آیا بین میانگین نمرات پرخاشگری (جسمانی و رابطه‌ای) دختران و پسران تفاوت وجود دارد؟

## روش پژوهش

### نمونه و روش نمونه‌گیری

گروه نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر ۴۱۰ نفر از دانش‌آموزان دبستانی (۲۶۸ دختر و ۱۴۲ پسر) نواحی چهارگانهٔ آموزش و پرورش شیراز بود که به شیوهٔ نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از هر چهار ناحیه دو ناحیه به‌طور تصادفی انتخاب و از تمامی مدارس این ناحیه‌ها فهرستی تهیه شد. سپس به‌طور تصادفی از هر ناحیه دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه و از هر مدرسه دو کلاس انتخاب شدند و همه دانش‌آموزان حاضر در هر کلاس مورد ارزیابی قرار گرفتند که با توجه به دانش آموان پسر و دختر حاضر در کلاسها نمونه نهایی به‌دست آمد. جدول شماره ۱ توزیع شرکت‌کنندگان در پژوهش را بر حسب جنسیت و سال تحصیلی نشان می‌دهد.

1. Haapasalo
2. Deater-Deckard
3. Szuch

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

جدول شماره ۱. توزیع شرکت‌کنندگان در پژوهش بر حسب جنسیت و سال تحصیلی

| سال تحصیلی / جنسیت | کلاس اول | کلاس دوم | کلاس سوم | کلاس چهارم | کلاس پنجم | کل |
|---|---|---|---|---|---|---|
| دختر | ۹۳ | ۵۹ | ۴۹ | ۱۹ | ۴۸ | ۲۶۸ |
| پسر | ۳۵ | ۲۹ | ۲۶ | ۲۴ | ۲۸ | ۱۴۲ |
| کل | ۱۲۸ | ۸۸ | ۷۵ | ۴۳ | ۷۶ | ۴۱۰ |

## ابزارهای پژوهش

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای (شهیم، ۱۳۸۵) و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری (رابینسون، مندلیکو، السون و هارت،[1] ۲۰۰۱) بود.

### الف) پرسشنامه پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای

این پرسشنامه را شهیم (۱۳۸۵) با بررسی منابع موجود و ابزارهای استفاده شده در پژوهشهای هالپرین[2] و همکاران (۲۰۰۲)، کریک و گرات پیتر (۱۹۹۵)، براون و همکاران (۱۹۹۶) و کریک (۱۹۹۶) و با توجه به ویژگیهای فرهنگ ایرانی، ویژه کودکان دبستانی طراحی کرده است. پرسشنامه مذکور شامل ۲۱ گویه در زمینه پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای بوده که پرخاشگری رابطه‌ای دارای ۸ گویه در ۳ زیر مقیاس دستکاری روابط (۲ گویه)، طرد همسالان (۴ گویه) و شایعه‌پراکنی (۲ گویه)، و پرخاشگری آشکار دارای ۱۳ گویه در ۳ زیر مقیاس پرخاشگری جسمانی (۷ گویه)، واکنشی کلامی (۳ گویه) و پرخاشگری بیش‌فعال (۳ گویه) تدوین شده است. نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف چهار گزینه‌ای (بندرت=۱، یک‌بار در ماه=۲، یک‌بار در هفته=۳ و اغلب روزها=۴) بود. این پرسشنامه را معلم تکمیل کرده است و پرسشها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در برگیرنده درجات متفاوتی از شدت پرخاشگری بودند و بر اساس میزان بروز رفتار درجه‌بندی شده‌اند (شهیم، ۱۳۸۵). پایایی پرسشنامه فوق با استفاده از روشهای متفاوت تعیین گردیده است که نتایج مطلوب گزارش شده‌اند. شهیم (۱۳۸۵) به منظور تعیین پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مقدار ۰/۹۱ را برای کل پرسشنامه محاسبه کرده و ضریب آلفای کرونباخ را برای ابعاد پرخاشگری جسمانی، رابطه‌ای و واکنشی-بیش‌فعال به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۹ و ۰/۸۳ ذکر کرده است. همچنین به منظور بررسی روایی با استفاده از روش تحلیل عاملی با محور اصلی و چرخش مایل، سه عامل با ارزش ویژهٔ بالاتر از یک استخراج شده که به ترتیب شامل پرخاشگری جسمانی،

1. Robinson, Mandleco, Olsen & Hart
2. Halperin

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

پرخاشگری رابطه ای و پرخاشگری واکنشی-بیش‌فعال بوده اند. در پژوهش حاضر از بخش پرخاشگری جسمانی (۷ گویه) و پرخاشگری رابطه‌ای (۸ گویه) پرسشنامهٔ فوق استفاده گردید.

در این پژوهش به منظور تعیین روایی از روش تحلیل عوامل استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس وجود دو عامل در گویه‌ها را تأیید کرده است. ملاک استخراج عوامل شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار ضریب KMO [1] برابر ۰/۷۸و ضریب کرویت بارتلت[2] برابر با ۱۷۷۱/۰۶۰ (p<۰/۰۰۱) بود که نشانگر کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌هاست. سؤال ۷ به دلیل کم بودن بار عاملی و قرارگرفتن در عاملی غیر مربوطه حذف شد. نتایج تحلیل عاملی این پرسشنامه در جدول شماره ۲ آمده است.

**جدول شماره ۲. نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای**

| گویه‌ها | پرخاشگری جسمانی | پرخاشگری رابطه‌ای |
|---|---|---|
| ۳ | ۰/۷۳ | |
| ۵ | ۰/۷۲ | |
| ۱ | ۰/۶۷ | |
| ۴ | ۰/۶۶ | |
| ۶ | ۰/۴۷ | |
| ۲ | ۰/۳۶ | |
| ۱۲ | | ۰/۷۲ |
| ۱۳ | | ۰/۷۱ |
| ۱۱ | | ۰/۷۱ |
| ۱۰ | | ۰/۶۹ |
| ۸ | | ۰/۶۳ |
| ۱۴ | | ۰/۶۰ |
| ۱۵ | | ۰/۴۴ |
| ۹ | | ۰/۴۰ |
| مقدار ارزش ویژه | ۴/۴۱ | ۱/۸۴ |
| درصد واریانس | ۲۹/۴۵ | ۱۲/۳۱ |
| کل واریانس | ۴۱/۷۶ | |

1. Kaiser – Meyer – Olkin
2. Bartlett's Test of Sphericity

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

در پژوهش حاضر، به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ[1] استفاده شده که ضرایب حاصل برای پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری رابطه‌ای به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۷۸ محاسبه شده است.

**پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری**

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری نسخه ویرایش شده ۶۲ سؤالی PSDQ است که رابینسون و همکاران (۲۰۰۱) کرده اند و شامل ۳۲ گویه خود-گزارشی از تمرینات سبکهای والدگری است. این پرسشنامه سه زیر مقیاس مقتدر (۱۵ گویه)، سلطه‌جو (۱۲ گویه) و سهل‌گیر (۵گویه) را در بر دارد که والدین میزان فراوانی مشارکتشان را در رفتارهای خاص با فرزندشان بر اساس یک طیف لیکرت از هرگز=۱ تا همیشه=۵ نشان می‌دهد. نسخه ۳۲ سؤالی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری برای کار کردن با والدین پیش‌دبستانی و دبستانی طراحی شده است. پرسشنامه مذکور همگام با نظر بامریند (۱۹۷۸، ۱۹۹۱) سه سبک والدگری مقتدر، سلطه‌جو و سهل‌گیر را در بر می گیرد. رابینسون و همکاران (۲۰۰۱) به منظور بررسی روایی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی استفاده کرده و وجود ۳ عامل را در گویه‌ها تأیید کرده اند؛ همچنین آنان برای بررسی پایایی به روش آلفای کرونباخ، ضرایب ۰/۸۴، ۰/۸۰ و ۰/۷۲ را به ترتیب برای شیوه‌های فرزندپروری مقتدر، سلطه‌جو و سهل‌گیر گزارش کرده‌اند. رابینسون (۲۰۰۵) نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی نشان داد که سه فاکتور متعامد در اندازه‌گیری با سبکهای والدگری مقتدر، سلطه‌جو و سهل‌گیر همسان هستند.

در این پژوهش به منظور تعیین روایی از روش تحلیل عوامل استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس وجود سه عامل در گویه‌ها را تأیید نموده است. ملاک استخراج عوامل شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۸۸ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۶۴۹۱ /۷۶۷ (p<۰/۰۰۱) بود که نشان دهندهٔ کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌هاست. سؤالات ۱ و ۳ و۵ و۱۴ و۲۷ به دلیل کم بودن بار عاملی و قرارگرفتن در عاملی غیر از عامل مربوطه حذف شد. در جدول شماره ۳ نتایج تحلیل عاملی این پرسشنامه آورده شده است.

1. Cronbach's Alpha

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری

| گویه‌ها | سلطه‌جو | سهل‌گیر | مقتدر |
|---|---|---|---|
| ۳۲ | ۰/۸۷ | | |
| ۲۶ | ۰/۸۷ | | |
| ۳۰ | ۰/۸۴ | | |
| ۲۴ | ۰/۸۲ | | |
| ۲۸ | ۰/۸۱ | | |
| ۱۷ | ۰/۷۸ | | |
| ۲۳ | ۰/۷۶ | | |
| ۱۶ | ۰/۷۴ | | |
| ۱۹ | ۰/۷۳ | | |
| ۱۳ | ۰/۶۹ | | |
| ۱۰ | ۰/۶۶ | | |
| ۲ | ۰/۶۴ | | |
| ۶ | | ۰/۶۹ | |
| ۴ | | ۰/۶۶ | |
| ۲۰ | | ۰/۴۷ | |
| ۲۹ | | | ۰/۷۴ |
| ۱۲ | | | ۰/۷۱ |
| ۱۵ | | | ۰/۶۹ |
| ۳۱ | | | ۰/۶۶ |
| ۱۸ | | | ۰/۶۰ |
| ۲۱ | | | ۰/۶۰ |
| ۲۲ | | | ۰/۵۶ |
| ۱۱ | | | ۰/۵۵ |
| ۹ | | | ۰/۵۴ |
| ۲۵ | | | ۰/۵۰ |
| ۸ | | | ۰/۴۸ |
| ۷ | | | ۰/۳۸ |
| مقدار ارزش ویژه | ۱۰/۸۳ | ۳/۷۲ | ۱/۸۹ |
| درصد واریانس | ۳۳/۸۴ | ۱۱/۶۴ | ۵/۹۲ |
| کل واریانس | ۵۱/۴۰ | | |

در این پژوهش، به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده که ضرایب حاصل برای شیوه‌های فرزندپروری سلطه‌جو، سهل‌گیر و مقتدربه ترتیب ۰/۹۵، ۰/۶۰ و ۰/۸۲ محاسبه شده است.

## یافته های پژوهش

در این قسمت یافته های توصیفی و استنباطی پژوهش در دو بخش ارائه شده است.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

## الف)یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۴. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی ها

| متغیرها | | تعداد | میانگین | انحراف معیار |
|---|---|---|---|---|
| پرخاشگری | پرخاشگری جسمانی | ۴۱۰ | ۲۷/۸۱ | ۲/۷۸ |
| | پرخاشگری رابطه‌ای | ۴۱۰ | ۳۰/۴۷ | ۴/۰۸ |
| شیوه‌های فرزندپروری | شیوه فرزندپروری مقتدر | ۴۱۰ | ۶۲/۷۱ | ۸/۰۸ |
| | شیوه فرزندپروری سلطه‌جو | ۴۱۰ | ۲۸/۷۵ | ۱۳/۹۵ |
| | شیوه فرزندپروری سهل‌گیر | ۴۱۰ | ۹/۶۳ | ۲/۹۳ |

## یافته‌های مربوط به سوالات پژوهش

سؤال اول این پژوهش عبارت بود از: آیا بین شیوه‌های فرزندپروری و میزان پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای همبستگی معناداری وجود دارد؟ در بررسی رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری با پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای از ماتریس همبستگی استفاده شده که نتایج در جدول شماره ۵ آمده است.

**جدول شماره ۵. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش**

| متغیرها | | پرخاشگری جسمانی | پرخاشگری رابطه‌ای | شیوه فرزندپروری مقتدر | شیوه فرزندپروری سلطه‌جو | شیوه فرزندپروری سهل‌گیر |
|---|---|---|---|---|---|---|
| پرخاشگری | پرخاشگری جسمانی | ۱ | | | | |
| | پرخاشگری رابطه‌ای | ۰/۴۵** | ۱ | | | |
| شیوه‌های فرزندپروری | شیوه فرزندپروری مقتدر | -۰/۲۸** | -۰/۱۸** | ۱ | | |
| | شیوه فرزندپروری سلطه‌جو | ۰/۱۷** | ۰/۰۳ | -۰/۴۸** | ۱ | |
| | شیوه فرزندپروری سهل‌گیر | ۰/۱۳* | ۰/۰۶ | -۰/۱۶** | ۰/۷۲** | ۱ |

*p < ۰/۰۵** p < ۰/۰۰۱

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که شیوه‌های فرزندپروری سلطه‌جو (r=۰/۱۷ ، p<۰/۰۰۱) و سهل‌گیر (r=۰/۱۳ ، p=۰/۰۵) رابطهٔ مثبت و معنادار و شیوهٔ فرزندپروری مقتدر (r= -۰/۲۸ ، p<۰/۰۰۱) رابطهٔ منفی با پرخاشگری جسمانی دارند. همچنین شیوهٔ فرزندپروری مقتدر (r= -۰/۱۸ ، p<۰/۰۰۱) از رابطهٔ منفی و معناداری با پرخاشگری رابطه‌ای برخوردار است.

سؤال دوم این پژوهش عبارت بود از: آیا میزان بروز پرخاشگری جسمانی در کودکان به وسیله شیوه‌های فرزندپروری قابل پیش‌بینی است؟ برای پاسخگویی به سؤال دوم از روش رگرسیون چندگانه به شیوهٔ همزمان استفاده شده که نتایج در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

**جدول شماره ۶. میزان پیش بینی پرخاشگری جسمانی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری**

| متغیرهای مستقل | | R | $R^2$ | B | Beta | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| شیوه‌های فرزندپروری | مقتدر | ۰/۲۳ | ۰/۰۵ | -۰/۱۳ | -۰/۲۵ | ۴/۰۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سلطه‌جو | | | ۰/۰۲ | ۰/۰۹ | ۱/۰۲ | ۰/۳۰ |
| | سهل‌گیر | | | ۰/۰۷ | ۰/۰۵ | ۰/۶۴ | ۰/۵۲ |

با توجه به نتایج جدول شماره ۶ مشخص می‌شود که شیوهٔ فرزندپروری مقتدر (p<۰/۰۰۱ ، β= -۰/۲۵) پیش‌بینی‌کننده‌ای منفی و معنادار برای پرخاشگری جسمانی است و شیوه‌های فرزندپروری سلطه‌جو (p<۰/۳۰ ، β=۰/۰۹) و سهل‌گیر (p<۰/۵۲ ، β=۰/۰۵) پیش‌بینی‌کننده‌ای معنادار برای پرخاشگری جسمانی نیستند.

سؤال سوم پژوهش حاضر عبارت بود از: آیا میزان بروز پرخاشگری رابطه‌ای در کودکان به وسیله شیوه‌های فرزندپروری قابل پیش‌بینی است؟ برای پاسخگویی به سؤال سوم از روش رگرسیون چندگانه به شیوهٔ همزمان استفاده شده که نتایج در جدول شماره ۷ آمده است.

**جدول شماره ۷. میزان پیش بینی پرخاشگری رابطه‌ای بر اساس شیوه‌های فرزندپروری**

| متغیرهای مستقل | | R | $R^2$ | B | Beta | T | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| شیوه های فرزندپروری | مقتدر | ۰/۴۳ | ۰/۱۹ | -۰/۱۶ | -۰/۴۶ | ۷/۹۳ | ۰/۰۰۱ |
| | سلطه‌جو | | | ۰/۰۸ | ۰/۴۱ | ۴/۹۶ | ۰/۰۰۱ |
| | سهل‌گیر | | | ۰/۰۵ | ۰/۰۵ | ۰/۷۰ | ۰/۴۷ |

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که شیوه‌های فرزندپروری مقتدر (p<۰/۰۰۱ ، β= -۰/۴۶) پیش‌بینی‌کننده‌ای منفی و معنادار و شیوهٔ فرزندپروری سلطه‌جو (p<۰/۰۰۱ ، β=۰/۴۱) پیش‌بینی‌کننده‌ای مثبت و معنادار برای پرخاشگری رابطه‌ای هستند. همچنین شیوهٔ فرزندپروری سهل‌گیر (p<۰/۴۷ ، β=۰/۰۵) پیش‌بینی‌کننده‌ای معنادار برای پرخاشگری رابطه‌ای نیست.

سؤال چهارم این پژوهش عبارت بود از: آیا بین میانگین نمرات پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای در دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟ برای پاسخگویی به سؤال چهارم پژوهش از آزمون مانوا استفاده شده که نتایج در جدول ۸ و ۹ آورده شده است.

**جدول شماره ۸. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانکوا) روی میانگین نمرات پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای دختران و پسران**

| نام آزمون | مقدار | درجه آزادی فرضیه | درجه آزادی خطا | مقدارF | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|
| آزمون لامبدای ویلکز | ۰/۹۹۵ | ۲ | ۳۸۳ | ۰/۹۰۶ | ۰/۴۰۵ |

همانگونه که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود سطوح معنی‌داری آزمون لامبدای ویلکز، بیانگر آن است که بین دختران و پسران از لحاظ هیچ یک از متغیرهای وابسته (پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای) تفاوت معناداری وجود ندارد (p>۰/۰۵ و F=۰/۹۰۶). برای اطمینان از عدم

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

تفاوت، نتایج حاصل از تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا، در جدول شماره ۹ آمده است.

جدول شماره ۹. نتایج تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا بر روی میانگین نمرات پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای دختران و پسران

| گروه | میانگین | متغیرها | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معناداری |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دختران | ۲۷/۷۳ | پرخاشگری جسمانی | ۷/۳۱ | ۱ | ۷/۳۱ | ۱/۰۱ | ۰/۳۱۵ |
| پسران | ۲۸/۰۰ | | | | | | |
| دختران | ۳۰/۵۶ | پرخاشگری رابطه‌ای | ۱/۸۹ | ۱ | ۱/۸۹ | ۰/۱۱۶ | ۰/۷۳۴ |
| پسران | ۳۰/۲۷ | | | | | | |

همانگونه که نتایج جدول شماره ۹ نشان می دهد میان دختران و پسران از لحاظ پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای تفاوت معنادار وجود ندارد ($p>۰/۰۵$). به عبارت دیگر دختران و پسران از پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای تقریباً برابر برخوردارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

سؤال اول این پژوهش عبارت بود از: آیا بین شیوه‌های فرزندپروری و میزان پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای همبستگی معناداری وجود دارد؟ در پاسخگویی به این سؤال، نتایج نشان داد که رابطه‌ای معنادار میان شیوه‌های فرزندپروری و میزان پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای وجود دارد، به طوری که شیوه‌های فرزندپروری سلطه‌جو و سهل‌گیر رابطه‌ای مثبت و شیوهٔ فرزندپروری مقتدر رابطه‌ای منفی و معنادار با پرخاشگری جسمانی دارند. همچنین شیوهٔ فرزندپروری مقتدر از رابطه‌ای منفی و معنا دار با پرخاشگری رابطه‌ای برخوردار است. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهشهای لو (۲۰۰۶)، پات‌نم و همکاران (۲۰۰۲)، نلسون و همکاران (۲۰۰۵) و ساچ (۲۰۰۵) همسو هستند.

در توجیه این یافته‌ها می‌توان گفت، پژوهشگران طرفدار نظریه یادگیری اجتماعی معتقدند که پرخاشگری نیز مانند دیگر اشکال پیچیدهٔ رفتار اجتماعی آموختنی است (بندورا، ۱۹۸۶؛ بارون و ریچاردسون،[1] ۱۹۹۴). طرفداران نظریه‌های شناختی نیز بر این باورند که بروز رفتارهای پرخاشگرانه در افراد ناشی از تفسیر موقعیتی است که در آن هستند (برکویتس،[2] ۱۹۹۰). حال با توجه به اینکه خانواده یکی از نخستین محیطهایی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و والدین در حکم نخستین کسانی هستند که بر فرد تأثیر می‌گذارند می‌توان نتیجه گرفت که شیوهٔ برخورد والدین با فرزندان می‌تواند بر رفتارهای آنان مؤثر باشد. از این رو رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری و پرخاشگری قابل توجیه است.

1. Baron & Richardson
2. Berkowitz

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]
[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

سؤال دوم پژوهش حاضر عبارت بود از: آیا میزان بروز پرخاشگری جسمانی در کودکان به وسیله شیوه‌های فرزندپروری قابل پیش‌بینی است؟ در پاسخگویی به این سؤال، نتایج حاکی از آن بود که شیوهٔ فرزندپروری مقتدر پیش‌بینی‌کننده‌ای منفی و معنادار برای پرخاشگری جسمانی است، اما شیوه‌های فرزندپروری سلطه‌جو و سهل‌گیر پیش‌بینی‌کننده‌هایی معنادار برای پرخاشگری جسمانی نیستند. این یافته‌ها با پژوهشهای هیمل و همکاران (۲۰۰۲)؛ پات‌نم و همکاران (۲۰۰۲)، بنک و همکاران (۲۰۰۴) و ساچ (۲۰۰۵) همسو هستند. البته بایستی در نظر داشت که نتایج پژوهشهای یاد شده، رابطه ای مثبت و معنادار را میان شیوهٔ فرزندپروری سلطه‌جو و پرخاشگری جسمانی گزارش کرده‌اند که در پژوهش حاضر این رابطه معنادار نیست.

در توجیه اثر منفی شیوهٔ فرزندپروری مقتدر بر پرخاشگری جسمانی می‌توان گفت که والدین دارای شیوهٔ فرزندپروری مقتدر، پذیرندهٔ فرزندان خود هستند و کودکان پذیرفته شده از سوی والدین، رفتارهای جامعه‌پسند بیشتر و پرخاشگری کمتری از خود نشان می دهند (هیمل و همکاران، ۲۰۰۲). والدین مقتدر، محیطی را فراهم می‌آورند که در آن فرزندان به استقلال می‌رسند. این والدین به کودکان خود بهترین شیوهٔ حل تعارض را می‌آموزند. بدین صورت که در حل تعارض به نقطه نظرهای طرف مقابل توجه می‌کنند و در یک مذاکره دوستانه به حل مسائل می پردازند (کاگن[1] و لم، ۱۹۸۷). از این رو هنگامی که این کودکان در محیط مدرسه قرار می‌گیرند از همین شیوه برای برخورد با تعارض پیش‌آمده و حل آن، بهره می گیرند. بنابراین بعید به نظر می‌رسد فردی که در چنین خانواده‌ای بزرگ شده باشد، از رفتارهایی مانند کتک زدن، هل دادن یا لگد زدن برای حل تعارضات خود استفاده کند یا این شیوه‌ها را به منظور صدمه رساندن به دیگران به‌کار گیرد. با توجه به توضیحات داده شده، رابطهٔ منفی شیوهٔ فرزندپروری و پرخاشگری جسمانی قابل توجیه است.

سؤال سوم این پژوهش عبارت بود از: آیا میزان بروز پرخاشگری رابطه‌ای در کودکان به وسیله شیوه‌های فرزندپروری قابل پیش‌بینی است؟ در پاسخگویی به این سؤال، نتایج نشان داد که شیوهٔ فرزندپروری مقتدر پیش‌بینی‌کننده‌ای منفی و شیوهٔ فرزندپروری سلطه‌جو پیش‌بینی‌کننده‌ای مثبت و معنادار برای پرخاشگری رابطه‌ای است. یافته‌های فوق با یافته‌های پژوهشهای هیمل و همکاران (۲۰۰۲)؛ ناتسن و همکاران (۲۰۰۴)، بنک و همکاران (۲۰۰۴)، نلسون و همکاران (۲۰۰۵) و ساچ (۲۰۰۵) همسو هستند.

1. Kagan

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

در توجیه اثر منفی شیوهٔ فرزندپروری مقتدر بر پرخاشگری رابطه‌ای می‌توان گفت که والدین دارای شیوهٔ فرزندپروی مقتدر دارای روشی گرم و پذیرنده هستند. آنان کنترلهای متعادلی را اعمال می‌کنند و به فرزندان خود یاد می‌دهند که چگونه با مسائل و مشکلات برخورد کنند و همانطور که ذکر آن رفت شیوهٔ صحیح حل تعارض (مذاکره دوستانه) را به فرزندان خود یاد می‌دهند. فرزندان والدین مقتدر این روش را به منزلهٔ بهترین روش در حل تعارض با همسالان به‌کار می‌گیرند که این امر منجر به تشکیل یک شبکهٔ خوب اجتماعی می‌شود. از طرفی هم فرد دارای رفتار پرخاشگرانه از نوع رابطه‌ای برای صدمه زدن به دیگران به غیبت و دستکاری روابط اجتماعی می‌پردازد که چنین شخصی به سبب استیصال و ناتوانی در حل تعارضات پیش‌آمده دست به چنین کاری می‌زند. نمودِ چنین رفتارهایی را می‌توان در غیبت، تهمت و بدگویی یافت که این رفتارها از سوی کودکانی که شیوهٔ صحیح حل تعارض را در خانواده آموخته‌اند، بعید به نظر می‌رسد. بنابراین رابطهٔ منفی و معنادار شیوهٔ فرزندپروری مقتدر و پرخاشگری رابطه‌ای قابل توجیه است.

در توجیه اثر مثبت شیوهٔ فرزندپروری سلطه‌جو بر پرخاشگری رابطه‌ای نیز باید اظهار داشت که والدین دارای شیوهٔ فرزندپروری سلطه‌جو، اطاعت بی‌چون و چرا را بهترین روش برای رفع اختلافات می‌دانند و انتظار دارند تا فرزندشان مطیع بی‌چون و چرای آنان باشد. این والدین همواره به کنترل کودکانشان می‌پردازند تا جایی که دخالتهای زیادشان منجر به پرخاشگری کودکانشان می‌شود (پات‌نم و همکاران، ۲۰۰۲). از این رو فرزندان والدین مستبد جرأت ابراز وجود ندارند و در کارهای مختلف از جمله حل تعرضات ترجیح می‌دهند تا پیش‌قدم نباشند (کاگن و لم، ۱۹۸۷). از طرفی هم همان‌طور که اشاره شد پرخاشگری رابطه‌ای به رفتارهایی مانند غیبت و بدگویی بر می‌گردد که این رفتارها معمولاً از افرادی سر می‌زند که قدرت رویارویی با دیگران را ندارند و در رویارویی با آنان رفتاری مطیع‌گونه از خود نشان می‌دهند و در ظاهر از همه چیز راضی به نظر می‌رسند، اما در غیاب دیگران سخن می گویند و اعتراضات خود را با بدگویی و غیبت نشان می‌دهند، تا از این طریق بتوانند به آنان صدمه رسانند. از این رو رابطهٔ مثبت شیوهٔ فرزندپروری سلطه‌جو و پرخاشگری قابل قبول به نظر می‌رسد.

سؤال چهارم پژوهش حاضر عبارت بود از: آیا بین میانگین نمرات پرخاشگری جسمانی و رابطه‌ای در دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد؟ در پاسخگویی به این سؤال، نتایج حاکی از آن بود که میان پسران و دختران در پرخاشگری جسمانی و رابطه ای تفاوت معنادار وجود ندارد.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

این یافته‌ها با یافته‌های پژوهشهای لو (۲۰۰۶)؛ پات نم و همکاران (۲۰۰۲) و شافر و همکاران (۲۰۰۹) همسو هستند.

در توجیه رفتارهای پرخاشگرانهٔ جسمانی بیشتر پسران نسبت به دختران می‌توان گفت که محیط و فرهنگ می‌توانند در تفاوتهای جنسیتی موجود در پرخاشگری نقش داشته باشند (وایت، ۲۰۰۱).

در توجیه عدم تفاوت معنادار میان پرخاشگری جسمانی و رابطه ای در پسران و دختران می-توان گفت که همان‌گونه که وایت (۲۰۰۱) عنوان کرده گرچه ممکن است تفاوتهای جنسیتی در زمینه پرخاشگری مبنای زیست شناختی داشته باشد ولی محیط و فرهنگ نیز در تفاوت های جنسیتی موجود در زمینه پرخاشگری نقش دارند؛ نگاهی به نتایج پژوهشهای صورت گرفتهٔ پیشین مبین تفاوتها و تناقضات زیاد در میان آنهاست. از نتایج به دست آمده از این پژوهش به نظر می رسد که اگرچه تفاوتهای جنسیتی ممکن است در شکل گیری پرخاشگری و تفاوت انواع آن در میان پسران و دختران نقش داشته باشند اما ممکن است این تفاوتها در سنین پایین تر معنادار نباشند که پژوهش بیورکویست و همکارانش (۱۹۹۴) نیز مؤید تأثیر عامل سن بر این موضوع است.

**نتیجه گیری و پیشنهادها**

همان گونه که نتایج این پژوهش نشان داد شیوهٔ تعامل و رفتار والدین با کودک در پرخاشگری یا عدم پرخاشگری کودک اثری معنادار دارد. از این‌رو آموزش والدین و خانواده ها پیش از ازدواج و پیش از تولد فرزند، و پژوهشهایی که به بررسی اثرات تعاملی والدین چه در این زمینه و چه زمینه های دیگر در زمینهٔ شیوه تربیتی والدین و اثربخشی آن بر کودکان می پردازند، ضروری به نظر می رسد. از این طریق راهبردهای تصحیحی و آموزشی متناسب با آن، چشم انداز برنامه ریزان و اهالی مرتبط با نظام آموزشی خواهد شد.

در اجرای این پژوهش محدودیتهایی وجود داشت مثلاً اینکه چون گروه نمونهٔ این پژوهش از میان دانش‌آموزان ابتدایی بودند، بایستی در تعمیم نتایج جانب احتیاط را رعایت می کردیم. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در قالب یک طرح همبستگی بود، استنباط روابط علّی باید با احتیاط صورت گیرد. با توجه به اینکه ابزار به‌کار گرفته شده برای سنجش سبکهای والدگری ابزاری غربی است، بنابراین ممکن است نتایج با تردیدهایی همراه باشد.

در پایان پیشنهاد می‌شود:

- پژوهش حاضر در دیگر مقاطع تحصیلی مانند مقطع راهنمایی یا دبیرستان اجرا شود.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

- محققان به ساخت ابزاری بومی برای سنجش سبکهای والدگری اقدام نمایند.
- در پژوهشهای آتی اثر سبکهای والدگری بر انواع دیگر پرخاشگری مانند پرخاشگری اجتماعی، بیش‌فعالی، وسیله‌ای و ... مورد توجه قرار گیرد.
- دست‌اندرکاران و متخصصان از طرق متفاوت مانند برگزاری کلاسهای آموزشی در مدارس، استفاده از پتانسیل رسانه‌ها، برگزاری همایشها و برنامه‌های گوناگون، در جهت بالا بردن آگاهی والدین در زمینهٔ سبکهای والدگری و تأثیر آن در آینده فرزندان اقدام لازم را بعمل آورند.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

## منابع


اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۳). *بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی تهران.

شهیم، سیما. (۱۳۸۵). پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای در کودکان دبستانی. *پژوهشهای روانشناختی*، سال نهم، شماره ۴۴، ۲۱-۲۷.

لیل‌آبادی، لیدا. (۱۳۷۵). *بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان عادی و مبتلا به اختلال سلوک در مدارس ابتدایی پسرانه شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

Alink, L. R. A., Mesman, J., Zeijl, J. V., Stolk, M. N., Juffer, F., & Koot, H. M. (2006). The early childhood aggression curve: Development of physical aggression in 10-to 50-month-old children. *Child Development*, 77, 954-966.

Aronson, R. B. (1987). Predation on fossil and recent ophiuroids. *Paleobiology*, 13, 187-192.

Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Bank, L., Burraston, B., & Snyder, J. (2004). Sibling conflict and ineffective parenting as predictors of adolescent boys' antisocial behavior and peer difficulties: Additive and interactional effects. *Journal of Research on Adolescence, 14*, 99-125.

Barkley, R. A., Shelton, T. L., Crosswait, C., Moorehouse, M., Fletcher, K., Barrett, S., Jenkins, L. & Metevia, L. (2000). Multi-method psycho-educational intervention for preschool children with disruptive behaviour: Preliminary results at post-treatment. *Journal of Child Psychology and Psychiatry & Allied Disciplines, 41*(3), 319 332.

Barnow, S., Lucht, M., & Freyberger, H. J. (2005). Correlates of aggressive and delinquent conduct problems in adolescence. *Aggressive Behavior, 31,* 24-39.

Baron, R. A., & Richardson, D.R. (1994). *Human aggression* (2nd ed.). New York: Plenum.

Barratt, E. S. (1991). Measuring and predicting aggression within the context of a personality theory. *Journal of Neuropsychiatry*, 3, 35-39.

Baumrind, D. (1978). Parental disciplinary patterns and social competence in children. *Youth & Society, 9*(3), 239-276.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence, 11*(1), 56-95.

Baumrind, D. (2005). Patterns of parental authority and adolescent autonomy. *New Directions for Child and Adolescent Development, 108*, 61-69.

Beck, J. E., & Shaw, D. S. (2005).The influence of perinatal complications and environmental adversity on boys' antisocial behavior. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, 46*(1), 35-46.

Berkowitz, L. (1990). On the formation and regulation of anger and aggression: A cognitive neoassociationistic analysis. *American Psychologist, 45*(4), 494-503.

Bjorkqvist, K., Osterman, K., & Lagerspetz, K. M. J. (1994). Sex differences in covert aggression among adults. *Aggressive Behavior, 20*, 21-33.

Brendgen, M., Wanner, B., Morin, A. J. S., &Vitaro, F. (2005). Relations with parents and with peers, temperament, and trajectories of depressed mood during early adolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, *33*(5), 579−594.


[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

Brown, K., Atkins, M., Osborne, M., & Milnamow, M. (1996). A revised teacher rating scale for reactive and protective aggression. *Journal of Abnormal Psychology*, *24*(4), 473-480.

Cheevers, C., Doyle, O., & McNamara, K. A. (2010). *Child externalizing and internalizing behavior in the first year of school: The role of parenting in a low SES population*. Ireland: University College Dublin Press.

Cohen, P., Cohen, J., Kasen, S., Velez, C. N., Hartmark, C., Johnson, J., Rojas, M., Brook, J., & Streuning, E. L. (1993). An epidemiological study of disorders in late adolescence: Age- and gender-specific prevalence. *Journal of Child Psychology Psychiatry*,*34*(6), 851-867.

Connell, S. (1988). Social competence in children. Monographs of the Society for Research in Child Development. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 18, 419-435.

Cote, S. M., Vaillancourt, T., Barker, E. D., Nagin, D., & Tremblay, R. E. (2008). The joint development of physical and indirect aggression: Predictors of continuity and change during childhood. *Development and Psychopathology*, 19, 37–55.

Crick, N. R. (1995). Relational aggression: The role of intent attributions, feelings of distress, and provocation type. *Development and Psychopathology*, *7*, 313 322.

Crick, N. R. (1996). The role of overt aggression, relational aggression and prosocial behavior in the prediction of children's future school adjustment. *Child Development, 67*, 2317-2327.

Crick, N. R., & Grotpeter, J. K. (1995). Relational aggression, gender, and social psychological adjustment. *Child Development, 66*, 710-722.

Crick, N. R., & Bigbee, M. A. (1998). Relational and overt forms of peer victimization: A multiinformant approach. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 66*, 337-347.

Crick, N. R., Ostrov, J. M., & Werner, N. E. (2006). A longitudinal study of relational aggression, physical aggression, and children's social–psychological adjustment. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 34, 131–142.

Cummings, E.M., Davies, P.T., & Campbell, S.B. (2000). *Developmental psychopathology and family process: Theory, research, and clinical implications.* New York: Guilford Press.

Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487-496.

Deater-Deckard, K., & Dodge, K. A. (1997). Externalizing behavior problems and discipline revisited: Nonlinear effects and variation by culture, context, and gender. *Psychological Inquiry*, *8*(3), 161-175.

De Kemp, R., Overbeek, G., de Wied, M., Engels, R., & Scholte, R. (2007). Early adolescent empathy, parental support, and antisocial behavior. *Journal of Genetic Psychology,168*(1), 5-18.

Denham, S. A., Caverly, S., Schmidt, M., Blair, K., DeMulder, E., Caal, S., Hamada, H., & Mason, T. (2002). Preschool understanding of emotions: Contributions to classroom anger and aggression. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, 43*(7), 901–916.

Dishion, T.J. (1990). The family ecology of boys' peer relations in middle childhood. *Child Development, 61*, 874-892.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

Dodge, K. A., Pettit, G. S., McClaskey, C. L., & Brown, M. M. (1986). *Social competence in children*. Monographs of the Society for Research in Child Development, 51(2, Serial No. 213).

Eagly, A. H., & Steffen, V. J. (1986). Gender and aggressive behavior: A meta-analytic review of the social psychological literature. *Psychological Bulletin, 100*(3), 309-330.

Ehrensaft, M. K., Wasserman, G. A., Verdelli, L., Greenwald, S., Miller, L. S., & Davies, M. (2003). Maternal antisocial behavior, parenting practices and behavior problems in boys at risk for antisocial behavior. *Journal of Child and Family Studies, 12,* 27-40.

Frick, P. J. (2006). Developmental pathways to conduct disorder. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America, 15,* 311-331.

Galambos, N. L. (2004). Gender and gender role development in adolescence. In R. M. Lerner & L. Steinberg (Eds.), *Handbook of adolescent psychology,* (pp. 233-262). New York: Wiley.

Goldstein, S. E., & Tisak, M. S. (2004). Adolescents' outcome expectancies about relational aggression within acquaintanceships, friendships, and dating relationships. *Journal of Adolescence, 27*(3), 283–302.

Goodwin, A., Paicey, G. & Grace, B. (2003). Relationship quality and processes of aggressive adolescents with prosocial skill. *International Journal of Behavioral Development*, *31*(2), 170-175.

Greenman, P. S. (2005). *A multi-informant longitudinal study of aggression, peer rejection, and school adjustment in elementary school children*. Doctoral Dissertation. University of Ottawa (Canada). AATNR10972.

Grogan-Kaylor, A. (2005). Corporal punishment and the growth trajectory of children's antisocial behavior. *Child Maltreatment, 10,* 283-292.

Haapasalo, J., & Termblay, R.E. (1994). Physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, *62*(5), 1044-1052.

Halperin, J. M., Mckay, K. E., & Newcorn, J. H. (2002). Development reliability and validity of the children`s agression scale-parent version. *Journal of American Academy of Child and Adolecent Psychiatry*, *41*(3), 245-253.

Hart, C. H., Nelson, D. A., Robinson, C. C., Olson, S. F., & NcNeilly-Choque, M. K. (1998). Overt and relational aggression in Russian nursery-school-age children: Parenting style and marital linkages. *Developmental Psychology*, *34*, 687–697.

Hawely, P. H., Little, T. D., & Card, N. A. (2007). Relationship quality and processes of aggressive adolescents with prosocial skills. *International Journal of Behavioral Development*, *31*(2), 170-180.

Hawkins, J. D., Herrenkohl, T. I., Farrington, D. P., Brewer, D., Catalano, R. F., Harachi, T. W., & Cothern, L. (2000). Predictors of youth violence. *Juvenile Justice Bulletin*, 1–12.

Herzel, K. M. (1999). *The relationship between individual differences in receptive and expressive language ability and social information processing in children.* Doctoral Dissertation, State University of New York at Binghamton. AAT9927934.

Hinshaw, S. P. (2002). Process, mechanism, and explanation related to externalizing behavior in developmental psychopathology. *Journal of Abnormal Child Psychology*, *30*, 431–446.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

Hyde, J. S. (2004). *Half the human experience: The psychology of women* (6th ed.). Boston: Houghton Mifflin.

Hyde, J. S., & Mezulis, A. H. (2002). Gender difference research: Issues and critique. In J. Worell (Ed.), *Encyclopedia of women and gender*. San Diego: Academic Press.

Hymel, S., Vaillancourt, T., McDougall, P., & Renshaw, P.D. (2002). Acceptance and rejection by the peer group. In P. Smith, & C. Hart (Eds.), *Blackwell handbook of childhood social development*, (pp. 265-284). London: Blackwell Publishers.

Kagan, J., & Lamb, S. (Eds.) (1987). *The emergence of morality in young children. Chicago*: University of Chicago Press.

Kellner, M. H., & Tutin, J. (1995). A school-based anger management program for developmentally and emotionally disabled high school students. *Adolescence, 30*(120), 813-825.

Knutson, J. F., DeGarmo, D. S., & Reid, J. B. (2004). Social disadvantage and neglectful parenting as precursors to the development of antisocial and aggressive child behavior: Testing a theoretical model. *Aggressive Behavior, 30,* 187-205.

Laird, R.D., Pettit, G. S., Dodge, K. A., & Bates, J. E. (2005). Peer relationship antecedents of delinquent behavior in late adolescence: Is there evidence of demographic group differences in developmental processes? *Development and Psychopathology, 17*, 127–144.

Lamborn, S., Mants, N., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065.

Lowe, K. A. (2006). *Relational and overt aggression in preschool: Links to social information processing, language development, and social-emotional functioning*. Doctoral Dissertation, State University of New York at Albany. AAT3249952.

Maccoby, E. E., & Jacklin, C. N. (1974). *The psychology of sex differences*. Stanford, CA: Stanford University Press.

MacKinnon, C. E., Lamb, M. E., Belsky, J., & Baum, C. (1990). An affective-cognitive model of mother-child aggression. *Development and Psychopathology, 2*, 1-13.

Mac Niel, G. (2002). School bullying: An overview. In L. Rapp- Paglicci, A. Roberts, & J. Wodarski (Eds.), *Handbook of violence* (pp. 247–261). New York: Wiley.

Matsuura, N., Hashimoto, T., &Toichi, M. (2009). Correlations among self-esteem, aggression, adverse childhood experiences and depression in inmates of a female juvenile correctional facility in Japan. *Psychiatry and Clinical Neurosciences*, *63*(4), 478-85.

McEvoy, M. A., Estrem, T. L., Rodriguez, M. C., & Olson, M. L. (2003). Assessing relational and physical aggression among preschool children: Intermethod agreement. *Topics in Early Childhood Special Education, 23*(2), 53-64.

Narusyte, J., Andershed, A., Neiderhiser, J., & Lichtenstein, P. (2007). Aggression as a mediator of genetic contributions to the association between negative parent–child relationships and adolescent antisocial behavior. *European Child & Adolescent Psychiatry, 16*(2), 128-137.

Nelson, D. A., Robinson C. C., Hart C. H. (2005). Relational and physical aggression of preschool age children: Peer status linkages across informants. *Early Education and Development*, 16, 115-139.

Ostrov, J. M., & Godleski, S. A. (2009). Impulsivity-hyperactivity, and subtypes of aggression in early childhood: An observational and short-term longitudinal study. *European Child & Adolescent Psychiatry*, *18*(8), 477-483.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

Paquette, J. A., & Underwood, M. K. (1999). Gender differences in young adolescents' experiences of peer victimization: Social and physical aggression. *Merrill-Palmer Quarterly, 45*, 242–266.

Peterson, A. (1982). Aggression as a mediator of genetic contributions to the association between negative parent–child relationships and adolescent antisocial behavior. *European Child & Adolescent Psychiatry, 16*(2), 128-137.

Putnam, S. P., Sanson, A. V., & Rothbart, M. K. (2002). Child temperament. In Marc H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting, Volume 1: Children and parenting.* New Jersey: Erlbaum.

Raine, A., Brennan, P., Mednick, B., & Mednick, S. A. (1996). High rates of violence, crime, academic problems, and behavioral problems in males with both early neuromotor deficits and unstable family environments. *Archives of General Psychiatry, 53,* 544-549.

Reti, I. M., Samuels, J. F., Eaton, W. W., Bienvenu, O. J., Costa, P. T., & Nestadt, G. (2002). Adult antisocial personality traits are associated with experiences of low parental care and maternal overprotection. *Acta Psychiatrica Scandinavica, 106,* 126-133.

Robinson, C. C. (2005). Authoritative, authoritarian, and permissive parenting practices: Development of a new measure for parents of preschool-age children. *Psychological Report*, 77, 819-830

Robinson, C. C., Mandleco, B. L., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (2001).The Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSDQ). In B. F. Perlmutter, J. Touliatos, & G.W. Holden (Eds.), *Handbook of family measurement techniques: Vol. 3, Instruments & index* (pp. 319-321). Thousand Oaks: Sage.

Roche, K. M., Ensminger, M. E., & Cherlin, A. J. (2007). Variations in parenting and adolescent outcomes among African American and Latino families living in low-income, urban areas. *Journal of Family Issues, 28*(7), 882-909.

Rubin, K. H., Stewart, S. L., & Chen, X. (1994). Parents of aggressive and withdrawn children. In M. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting, Vol. 1* (pp. 255-284). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Rubin, K. H., Dwyer, K. M., Booth-Laforce, C., Kim, A. H., Burgess, K. B & Rose-Krasnor, L. (2004). Attachment, friendship, and psychosocial functioning in early adolescence. *Journal of Early Adolescence*, 24, 326-356.

Schaffer, M., Clark, S., & Jeglic, E.L. (2009). The role of empathy and parenting style in the development of antisocial behaviors. *Crime and Delinquency, 55*(4), 586-599.

Sellers, C. S., Cochran, J. K., & Branch, K. A. (2005). Social learning theory and partner violence: A research note. *Deviant Behavior*, 26, 379−395.

Shibley Hyde, J. (2005). The gender similarities hypothesis. *American Psychologist, 60*, 581–592.

Silver, R. (2007). *The silver drawing test and draw a story: Assessing depression, aggression and cognitive skills.* New York and London: Routledge.

Smith, C. A., & Farrington, D. P. (2004). Continuities in antisocial behavior and parenting across three generations. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, 45*(2), 230-247.

Smith, P. & Sharp, S. (Eds.) (1995). *The problem of school bullying*: *Insights and perspectives.* London: Routledge.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

Soenens, B., Duriez, B., Vansteenkiste, M., & Goossens, L. (2007). The intergenerational transmission of empathy-related responding in adolescence: The role of maternal support. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 73*(6), 1020-1038.

Strassberg, Z., Dodge, K.A., Pettit, G.S. & Bates, J.E. (1994). Spanking in the home and children's subsequent aggression toward kindergarten peers. *Development & Psychopathology*, 6, 445-461.

Szuch, S. M. (2005). *Parenting styles, peer factors and indirect and physical aggression: Analyses from the National Longitudinal Survey of Children and Youth* . Master's thesis. Department of Applied Psychology. Calgary, AB: University Of Calgary.

Thornberry, T., Freeman-Gallant, A., Lizotte, A., Krohn, M., & Smith, C. (2003). Linked lives: The intergenerational transmission of antisocial behavior. *Journal of Abnormal Child Psychology, 31*(2), 171-184.

Tomada, G., & Schneider, B. H. (1997). Relational aggression, gender, and peer acceptance: Invariance across culture, stability overt time, and concordance among informants. *Developmental Psychology*, 33, 601-609.

Tremblay, S., Perie, C., Ouimet R. (2006). Changes in organic C storage in a 50 year white spruce plantation chronosequence established on Fallow Land in Quebec. *Can. J. For. Res*., 36, 2713-2723.

Verona, E., Hicks, B. M., & Patrick, C. J. (2005). Psychopathy and suicidality in female offenders: Mediating influences of personality and abuse. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 73*(6), 1065-1073.

Verona, E., & Sachs-Ericsson, N. (2005). The intergenerational transmission of externalizing behaviors in adult participants: The mediating role of childhood abuse. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 73*(6), 1135-1145.

Vitolo ,Y.L., Fleitlich-Bilyk, B., Goodman, R., Bordin, I.A. (2005). Parental beliefs and child-rearing attitudes and mental health problems among school children. *Revista de Saude Publica, 39*(5), 716-24.

White, A.B. (2001). *Wild and captive wolf (Canis lupus) aggression in relation to territory availability and pack size.* Honors thesis, University of Colorado, Boulder.

Yoon, J. S., Barton, E., & Taiariol, J. (2004). Relational aggression in middle school: Educational implications of developmental research. *Journal of Early Adolescence*, 24, 303-318.

[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]
[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]

[ DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.4.2.1 ]
[ Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30 ]